

تاریخ: ۱۳۸۹، ۱۰، ۱۵

شماره: ۶۸۷۱

پیوست: دارد



ورود به دبیرخانه شورای نگهبان

شماره ثبت: ۱۸۶۱۱۶۱۸۶

تاریخ ثبت: ۱۸۶۱۱۶۱۸۶

ساعت ورود:

بسمه تعالی

مدیریت محترم کل دبیرخانه شورای نگهبان

با اهداء سلام:

بازگشت به نامه شماره ۸۹، ۳، ۱، ۳، ۹۹، ۳، ۲... مورخ ۸۹، ۷، ۱۳... به
 پیوست تصویر دادنامه شماره ۳۷۴... مورخ ۸۹، ۹، ۱۰...
 هیئت عمومی دیوان عدالت اداری جهت اطلاع و اقدام مقتضی ارسال
 می شود. /

دفتر هیأت عمومی دیوان عدالت اداری



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدُوا

دادنامه

ن
ج
س

بسم الله الرحمن الرحيم

تاریخ: ۱۳۸۹/۹/۱

کلاس پرونده: ۶/۸۷

شماره دادنامه: ۳۷۶

مرجع رسیدگی: هیأت عمومی دیوان عدالت اداری.

شاکی: ۱- آقای محمود وفادار دواجی ۲- خانم فاطمه بابائی.

موضوع شکایت و خواسته: ابطال دستورالعمل شماره ۱۶۸۰ مورخ ۸۶/۴/۳۱ صادره از سازمان تعزیرات حکومتی.

گردشکار: شکات به شرح دادخواست‌های تقدیمی و با استناد به مواد ۱۳ و ۱۹ از قانون دیوان عدالت اداری به دلایل آتی‌الذکر تقاضای اصدار رأی مبنی بر لغو و ابطال دستورالعمل شماره ۱۶۸۰ مورخ ۸۶/۴/۳۱ سازمان تعزیرات حکومتی را دارند. در بند ۲ دستورالعمل فوق‌الذکر تصریح شده است (استرداد کالا و فک و وثایق تودיעی بر اساس مفاد رأی برائت صادره، مشروط به انقضای مهلت اعتراض اداره شاکی و عدم اقدام در این خصوص گردد.) در بند ۳ دستورالعمل ذکر شده است (در صورت احراز اعتراض اداره شاکی به مفاد رأی برائت شعبه بدوی، استرداد کالا و فک و وثایق، منوط به اتخاذ تصمیم از ناحیه شعبه تجدیدنظر بوده و شعب محترم بدوی و یا اجرای احکام ادارات کل از ارسال مکاتبه به ادارت شاکی در این خصوص خودداری نماید.) علیهذا مستند به ماده ۳۸ قانون دیوان عدالت اداری مفاد دو بند ذکر شده در دستورالعمل معترض‌عنه خلاف بین شرع و قانون می‌باشد و صدور آن خارج از اختیارات صادر کننده آن و بدون مستندات قانونی صورت گرفته است. علاوه بر مطالب فوق‌الذکر دستورالعمل مورد شکایت خلاف بین قانون بوده و در این خصوص ماده ۱۴۴ از قانون آیین دادرسی کیفری به صراحت اعلام نموده است (چنانچه قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب یا برائت متهم صادر شود یا پرونده به هر کیفیت مختومه شود قرارهای تامین صادره ملغی‌الآثر خواهد بود و قاضی مربوطه مکلف است از قرار تامین وثیقه رفع اثر نماید.) در حالی که طبق بند ۲ دستورالعمل مورد شکایت (استرداد کالا و فک و وثایق تودיעی بر اساس مفاد رأی برائت صادره

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

مشروط به انقضای مهلت اعتراض اداره شاکی و عدم اقدام در این خصوص گردد.) استرداد کالا و فک و نایق تودיעی منوط به انقضای مهلت اداره شاکی گردیده است در حالی که تکلیف قانونی مستنداً به ماده ۱۴۴ کاملاً مشخص و مبین اقدام فوری قاضی بدون تعیین مهلت اداره شاکی گردیده است در حالی که تکلیف قانونی مستنداً به ماده ۱۴۴ کاملاً مشخص و مبین اقدام فوری قاضی بدون تعیین مهلت و فوت وقت و شرط و شروط می‌باشد و لهذا اعطای مهلت برای فک و نایق خلاف مبین قانون می‌باشد. در حال حاضر افرادی که به اتهام قاچاق کالا و عجز از تودیع وثیقه در زندان به سر می‌برند، حسب بند ۲ دستورالعمل مورد شکایت چنانچه در دادگاه بدوی رسیدگی کننده در شعبه تعزیرات به اتهام وی رسیدگی و رأی بر برائت متهم صادر گردد، قاضی پرونده نمی‌تواند متهم را بلافاصله آزاد نماید و این در حقیقت نوعی بازداشت غیر قانونی می‌باشد و در صورتی که متهم با تودیع وثیقه آزاد شده باشد پس از صدور رأی برائت وثیقه ایشان و کالای وی که به ظن قاچاق توقیف گردیده است، می‌بایست تا اعلام نتیجه از شعبه تجدیدنظر تعزیرات در توقیف بماند و چنانچه رأی برائت در شعبه تجدیدنظر مورد تایید قرار گرفت از وثیقه تودیع شده رفع اثر و کالای بازداشت شده آزاد می‌گردد و استناد صدر دستورالعمل به صدور چنین دستوراتی به این دلیل است که امکان دارد رأی برائت در شعبه تجدیدنظر نقض گردد و این در حالی است که تمام قوانین و مقررات جزائی قطع به یقین، مصوب گردیده است. حال اگر متهم در رسیدگی شعبه تجدیدنظر رأی برائتش مورد تایید قرار گرفت چه کسی پاسخ گوی ضررهای مادی و معنوی ایشان خواهد بود. آیا می‌توان با این استدلال که امکان نقض رأی برائت در مرحله تجدیدنظر وجود دارد متهمی را که رأی بر برائتش صادر شده در زندان نگه داشت یا این که کالای وی را آزاد نمود؟! چرا که با این تصور اصل برائت که یک اصل شرعی و قانونی می‌باشد را منسوخ نموده‌ایم که این خلاف بین شرع و قانون می‌باشد. از طرفی در صدر دستورالعمل مورد شکایت انتهای خط ۳ تصریح شده است: (با عنایت به این که وفق تبصره ۲ ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ادارات شاکی در صورت صدور حکم برائت ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ مجاز خواهند بود نسبت به رأی صادره اعتراض نموده و در صورت اعلام اعتراض لاجرم پرونده بایستی جهت رسیدگی مجدد به مرحله تجدیدنظر ارسال گردد) و این در حالی است که وفق تبصره ۲ ماده ۱۵

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز هیچ عبارتی که بیانگر اعطای مهلت یک ماه به سازمان شاکی باشد وجود ندارد و تبصره ۲ ماده ۱۵ قانون فوق بیان می‌دارد (رأی صادره از شعب بدوی تعزیرات حکومتی در صورتی که مبنی بر براءت متهم باشد با درخواست سازمان شاکی از پرونده از سوی رئیس سازمان تعزیرات حکومتی برای رسیدگی مجدد به یکی از شعب تجدیدنظر تعزیرات حکومتی ارسال خواهد شد. رأی شعبه تجدیدنظر قطعی و لازم‌الاجراء است.) و در این تبصره هیچ عبارتی از اعطای مهلت یک ماه به سازمان شاکی وجود ندارد و تصریح مهلت یک ماه برای اعتراض اداره شاکی به رأی براءت در حقیقت خود خلاف بین قانون می‌باشد. علیهذا تفسیر این گونه از قوانین از صلاحیت سازمان تعزیرات حکومتی نبوده و مطابق عرائض فوق‌الذکر خلاف بین قانون (ماده ۱۴۴ از قانون آیین دادرسی کیفری) و شرع (اصاله البرائه) می‌باشد. علیهذا مستنداً به ماده ۳۸ قانون دیوان عدالت اداری تقاضای صدور حکم مبنی بر ابطال بخشنامه فوق‌الذکر را دارد. مدیرکل دفتر مبارزه با قاچاق کالا و ارز سازمان تعزیرات حکومتی وزارت دادگستری در پاسخ به شکایت شکات، طی لایحه دفاعیه‌ای به شماره ۱۶۰/۶۵۶۲ مورخ ۸۷/۸/۱۹ اعلام داشته‌اند، در توجیه قانونی و استدلال حقوقی مستند مذکور، موارد ذیل قابل ذکر است:

۱- مفاد ماده ۱۵ آیین‌نامه مذکور به موجب رأی شماره ۴۳۹ مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۵ هیأت عمومی دیوان عدالت اداری مغایر قوانین و مقررات موضوعه تشخیص داده نشده است. بر این اساس دیوان حق تجدیدنظر خواهی سازمان شاکی از صدور حکم براءت متهم را مورد تایید قرار داده است.

۲- صدور بخشنامه مذکور بر اساس قاعده فقهی «لاضرر و لااضرار فی الاسلام» که مفاد آن در اصل چهلم قانون اساسی نیز مورد تایید و تاکید قرار گرفته صادر گردیده است و بالتبع حقوق حقه دولت در مقام تعارض با حقوق افراد دارای رجحان و برتری است. بدیهی است چنانچه متعاقب صدور رأی براءت در شعب بدوی کالاهای توقیفی استرداد و وثایق تودیهی نیز فک گردد. اثر عملی بر تجدیدنظر خواهی ادارات شاکی و رسیدگی شعب تجدیدنظر در فرض صدور حکم محکومیت برای متهمان به لحاظ عدم وجود کالا و عدم امکان دسترسی به محکوم علیه به جهت نداشتن وثیقه و تامین لازم مترتب نخواهد بود. استحضار دارند در قریب به اتفاق پرونده‌های مهم (سنگین) تنها قسمتی از حکم که قطعاً و بدون مشکل اجراء می‌گردد، ضبط کالاهای قاچاق



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

به نفع دولت که در صورت استرداد کالا پس از صدور رأی برائت در شعب بدوی این امکان متعاقب صدور حکم محکومیت در شعب تجدیدنظر از بین خواهد رفت.

۳- چنانچه بپذیریم وثیقه متهم آزاد و به این طریق شناسایی و دسترسی به متهم متعذر گردد و کالا نیز سریعاً به مالک آن مسترد شود، شعبه تجدیدنظر در مقام رسیدگی مجدد چگونه قادر به بررسی موضوع و انجام تحقیقات لازم در اجرای اعتراض سازمان شاکی خواهد بود؟!

۴- قانونگذار در ماده ۱۵ آیین نامه معنونه بین «قطعیت» حکم و «قطعیت و لازم الاجراء» بودن آن تفکیک قائل شده است. به این معنا که اصل بر قطعیت آراء است و در مواردی که حق تجدیدنظر خواهی برای سازمان شاکی تثبیت شده پس از رسیدگی به درخواست مذکور و صدور رأی از سوی شعبه تجدیدنظر دادنامه صادره قطعی و لازم الاجراء خواهد بود.

۵- مقام معظم رهبری در فرمان مورخ ۸۱/۴/۱۲ خطاب به رئیس جمهور وقت پس از بیان خطرات ناشی از ورود کالاهای قاچاق به داخل کشور و مشکلاتی که از این بابت گریبانگیر تولید، تجارت قانونی و سرمایه گذاری و اشتغال در داخل کشور می گردد با هدف بالابردن ریسک قاچاق مقرر فرمودند: «... بر همه دستگاه هایی که به نحوی می توانند در این امر دخیل باشند واجب است که سهم خود را در این مبارزه ایفاء کنند. ثالثاً، برخورد قضایی و انتظامی قاطع و در ارتباط کامل با تصمیم گیری های آن کانون مرکزی باشد. رابعاً، عزم جدی بر این باشد که عمل قاچاق برای قاچاقچی کاملاً بر خلاف صرفه و همراه با خطر باشد ... بدیهی است که دستگاه قضایی از یک سو ... وظیفه دارند در این امر مهم همکاری کامل داشته باشند.» با عنایت به اینکه مشاهد شده در برخی پرونده های مهم افرادی با نفوذ و رایزنی های غیر قانونی در مراحل رسیدگی بدوی موجبات صدور آراء برائت در این قبیل پرونده ها را فراهم می نمایند، حسب تاکیدات مصرح در فرمان معظم له و برای جلوگیری از تضییع حقوق دولت و بالابردن ریسک قاچاق مقرر گردید در چنین مواردی فک و نایق تودיעی و استرداد کالاها پس از اتخاذ تصمیم توسط شعب تجدیدنظر که در تهران مستقر می باشند، انجام پذیرد.

۶- از آن جا که در پرونده های مطروحه سازمان های شاکی ضمن درخواست تعقیب کیفری متهم مستنداً به

فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

ماده ۷۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری تقاضای تامین خواسته به منظور وصول حقوق دولت را می‌نماید، رویه قانونمند چنین است که کالاهای توقیفی متهم که از باب ضبط کالا موجود می‌باشد، به عنوان تامین بخشی از اموال وی در توقیف مانده تا شعبه تجدیدنظر ویژه قاچاق کالا پس از بررسی پرونده حکم قطعی و لازم‌الاجراء را صادر نماید.

۷- رویه فعلی در شعب تجدیدنظر ویژه قاچاق کالا و ارز سازمان چنین است که پرونده‌های تجدیدنظر خواسته موضوع تبصره ۲ ماده ۱۵ آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز به صورت فوق‌العاده و خارج از نوبت رسیدگی شده تا از این طریق ضمن احتراز از تطویل دادرسی سریعاً نسبت به اموال توقیفی و وثایق تودיעی تعیین تکلیف شود.

۸- استناد معترض به ماده ۱۴۴ قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب در امور کیفری مبنی بر لغو قراردادهای تامین پس از صدور حکم برائت یا منع پیگرد، با مقررات مربوط به قاچاق کالا و ارز منطبق نمی‌باشد، زیرا مستنداً به تبصره یک ماده ۴ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز رسیدگی به پرونده‌های موضوع این قانون تابع تشریفات آیین دادرسی و تجدیدنظر نمی‌باشد.

قائم مقام محترم دبیر شورای نگهبان در خصوص ادعای خلاف شرع بودن موضوع بندهای ۲ و ۳ دستورالعمل شماره ۱۶۸۰ مورخ ۱۳۸۶/۴/۳۱ سازمان تعزیرات حکومتی، اعلام داشته‌اند: با توجه به اینکه رأی تعزیرات حکومتی جنبه قضایی ندارد، بنابراین مصوبه در این خصوص خلاف موازین شرع شناخته نشد و از جهت خلاف قانون بودن، تشخیص امر به عهده دیوان می‌باشد.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در تاریخ فوق با حضور رؤسا و مستشاران و دادرسان علی‌البدل شعب دیوان تشکیل و پس از بحث و بررسی و انجام مشاوره با اکثریت آراء به شرح آتی مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

رأی هیأت عمومی

به موجب تبصره یک ماده ۴ قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۴/۲/۱۲ مجمع تشخیص مصلحت نظام، رسیدگی به پرونده‌های موضوع قانون تابع تشریفات آیین دادرسی و تجدیدنظر

تاریخ: ۱۳۸۰

شماره:

پیوست:



فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَنْ تَعْدِلُوا

دادنامه

نبوده و به استناد تبصره ۲ ماده ۱۵ آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۳۷۹/۳/۸ و ۱۳۷۹/۳/۲۹ هیأت وزیران، به رئیس سازمان تعزیرات حکومتی اختیار تجدیدنظر خواهی از آراء برائت شعب بدوی اعطاء گردیده و اعمال این حق مانع قطعیت احکام بدوی مورد اعتراض خواهد بود. لذا بخشنامه مورد شکایت که در راستای تبیین اختیارات مذکور در تبصره ۲ ماده ۱۵ آیین نامه فوق الذکر صادر شده است، خلاف قانون و خارج از حدود اختیارات سازمان تعزیرات حکومتی نمی باشد و قابل ابطال تشخیص نگردید. /

رئیس هیأت عمومی دیوان عدالت اداری

محمدجعفر منتظری